

نظریہ پیشرفت امام خمینی

۱۰

مجتبے نامخواہ



بر اساس روش‌شناسی‌ای که حضرت
 آیت‌الله خامنه‌ای در بازخوانی و تشخیص
 اصول منظومه‌ی فکری امام خمینی طرح
 می‌کنند؛ دیدگاه امام خمینی پیرامون
 پیشرفت یکی از «بینات» مکتب امام خمینی
 است نه یک موضع موردی و به اقتضای
 حادثه‌ای خاص.^۱ کوشش امام خمینی در
 پروراندن مفهومی اسلامی در زمینه‌ی
 پیشرفت، با تدوami تاریخی و تأکیدی
 معرفتی همراه بوده و بخش قابل توجهی از

حکمت عملی‌ای را تشکیل داده است که در
مکتب امام خمینی شکل گرفته است. مقوله‌ی
پیشرفت آن چنان در حکمت عملی امام(ره)
مرکزیت دارد که از یک منظر می‌توان تمام
پروژه‌ی «انقلاب اسلامی» را همچون پاسخی
خمینیستی به مسئله‌ی عقب ماندگی در نظر
گرفت.

تلاش امام خمینی از آغاز «دوران نهضت»
معطوف به طرح یک دیدگاه منسجم
پیرامون پیشرفت و مفاهیم هم‌بود آن است.

علاوه بر آن این تلاش از آغاز «دوران نظام» معطوف می‌شود به ارائه‌ی یک الگوی عینی در این زمینه که در نهایت یک سازه‌ی نظری نظام‌مند در زمینه‌ی پیشرفت به دست می‌دهد؛ این یادداشت می‌کوشد برای بررسی این ادوار یک مقدمه به دست بدهد و با تأکید بر دوره‌ی سوم، مهم‌ترین ابعاد «نظریه‌ی پیشرفت امام خمینی» را به صورت گذرا مرور کند.

ادوار نظریه پیشرفت امام خمینی

برای نظریه پیشرفت امام خمینی سه کلان دوره می توان از هم تمیز داد: دوران اول پیش از پیروزی انقلاب اسلامی قرار دارد و در آن مفهوم «ترقی» در کانون نقد و بررسی و پردازش اندیشه امام خمینی قرار دارد. در دوره ی بعد که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز می شود «سازندگی» و الگوی چگونگی تحقق آن محور مباحث است. دوره ی سوم پس از پایان

جنگ تحمیلی آغاز می شود.

اگر بحث های نظری ناظر به نقد جزمیت های رایج پیرامون ترقی و ویژگی دوران اول بود، مباحث ناظر به الگوی عینی ویژگی مباحث نظریه پیشرفت امام خمینی در دوره ی دوم است . ویژگی دوره سوم اما این است که امام خمینی به نوعی تجربه ی ده ساله ی پیشرفت انقلاب اسلامی را صورت بندی نظری نموده و در چارچوب سیاست های

کلان حول مفهوم «بازسازی» بازتولید
می کنند.

نگاره شماره یک: دوره‌های نظریه

پیشرفت امام خمینی

دوره	بازه‌ی زمانی	مفهوم مرکزی	محور	رویکرد	چکیده دستاوردها
اول	قبل از انقلاب اسلامی	ترقی	تعریف پیشرفت	بازخوانی آموزه	نقد جزمیت‌های رایج درباره‌ی ترقی و بازخوانی آموزه‌های اسلامی ناظر به پیشرفت
دوم	پس از انقلاب اسلامی	سازندگی	غایت و چگونگی پیشرفت	طراحی الگو	ارائه‌ی الگوی عملی در زمینه‌ی سازندگی
سوم	پس از جنگ تحمیلی	بازسازی	زمینه‌ها و سیاست‌های پیشرفت	جمع‌بندی تجربه	صورت‌بندی مفهومی تجربه‌ی یک دهه پیشرفت و بازتولید آن در چارچوب سیاست‌های بازسازی

اولین مضمون‌ها و استدلال‌های امام خمینی در زمینه پیشرفت به بازخوانی ترقی غربی و بازتاب آن در جهان اسلام و ایران اختصاص دارد. نگرش نقدگرایانه‌ی امام خمینی و تفکیکی که میان «ترقی» و «زمینه‌های فرهنگی» آن قائل می‌شوند، اولین لایه نظریه پیشرفت امام را شکل می‌دهد. در نقدهای آغازین امام خمینی به رژیم شاه مفهوم پیشرفت محوریت دارد. امام به صراحت می‌گویند «من مخالف شاه هستم؛ به دلیل

آن که وی پیشرفت مردم را در معرض خطر قرار داده است» استدلال ایشان بر این مخالفت وجهی آشکارا «استقلال گرایانه» دارد: «سیاست وی وابسته به قدرت‌های خارجی است». □□ به یک معنا برون گرا بودن پیشرفت رژیم طاغوت از مدخل‌ها و بنیان‌های مهم شکل‌دهی و وقوع انقلاب اسلامی است.

در نقد امام به الگوی پیشرفت و ترقی رژیم سابق اگر چه وجه استقلال‌گرایانه‌ی آن پر

رنگ و بارز است اما از همان اولین گفته‌های انتقادی امام خمینی در این زمینه رویکرد مردم‌گرایانه‌ی ایشان در مقوله‌ی پیشرفت آشکار است: «اگر حکومت به دست ملت بیفتد، آن‌ها در مصالح خودشان کوشا خواهند بود و آنگاه ان شاء الله سریعاً پیشرفت حاصل می‌گردد.»^{□□□} امام خمینی در کوران مبارزه به وضوح به نقد سیاست‌های صنعتی رژیم شاه پرداخته و سیاست صنعتی نظام مورد نظر انقلاب اسلامی را تشریح می‌کند:

سیاست صنعتی رژیم شاه، توسعه صنایع مصرفی و مونتاژ و وابسته کردن صنایع به صنایع اجنبی است. سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس ایجاد صنایع بنیادی و مادر خواهد بود، به طوری که هر گونه وابستگی از بین برود. □□

در کنار این رویکرد نقدگرایانه نسبت به باورهای رایج در دوران رژیم طاغوت در زمینه‌ی ترقی، امام خمینی بر آموزه‌های دینی

پیرامون پیشرفت تأکید دارند و قرآن را به مثابه «روش ترقی» انسان مطرح می‌کنند: «اسلام دین ترقی است. قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است»^۱ ایشان ضمن تأکید بر نقش مبانی ایدئولوژیک در شکل دهی به چگونگی پیشرفت این چنین استدلال می‌کنند که اگر نگرش لیبرالیستی در غرب و کمونیستی در شرق الگوهای برای پیشرفت به وجود آورده است، «مکتب اسلام» نیز حرف‌هایی در زمینه الگوی پیشرفت دارد:

«ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند.» □□

دومین مرحله در نظریه پیشرفت امام خمینی، متضمن دو فرایند است: یکی طرح ایجابی الگوی انقلاب اسلامی و دیگری بازخوانی آموزه‌های اسلامی ناظر به پیشرفت. بازخوانی این آموزه‌ها به مثابه مبانی الگوی مورد نظر انقلاب زمینه‌ی تحقق آن را فراهم

می‌آورد. حالا وقت آن است که نقدهای استقلال‌گرایانه و مردم‌مدارانه‌ی امام خمینی به الگوی پیشرفت رژیم پهلوی، بُعد ایجابی به خود بگیرد. نمونه‌ی طرح الگوی ایجابی انقلاب اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت را می‌توان در پیام جهادسازندگی ملاحظه نمود. □□□ نهاد‌های انقلاب اسلامی از مهم‌ترین تجربه‌های سازمان‌یافته بر اساس الگوی اسلامی، مردمی و استقلال‌گرایانه در زمینه‌ی پیشرفت و جهاد سازندگی از

مهم‌ترین نهادهای انقلاب اسلامی در این زمینه است.

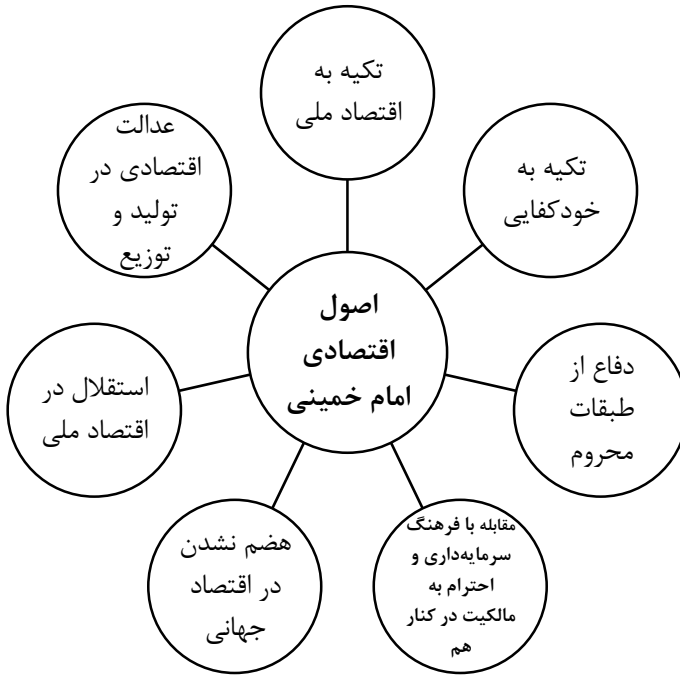
اصول پیشرفت از منظر امام خمینی

مهم‌ترین متنی که خطوط سومین دوره‌ی نظریه پیشرفت امام خمینی را بازتاب می‌دهد پیامی است که تحت عنوان «سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور» در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۶۷ صادر شده است. این پیام می‌کوشد براساس جمع‌بندی تجربه‌ی ده‌ساله‌ی گذشته افق آینده پیشرفت

در جمهوری اسلامی را ترسیم کند. در ادامه می‌کوشیم ابعادی از این پیام مهم و تأثیرگذار امام خمینی را به بحث بگذاریم.

پیام بازسازی امام خمینی علیرغم ایجاز نسبی دربردارنده‌ی اصول کلی نظریه پیشرفت و خطوط کلی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی است. رهبر انقلاب در یک بازخوانی هفت اصل مهم برای اندیشه اقتصادی امام خمینی بر می‌شمارند. □□□□ نگاره شماره شماره دو این اصول را نشان می‌دهد. در پیام

مشهور به بازسازی ما به نوعی بازتابی از تمامی این اصول را می بینم. امام خمینی در آخرین پیام هایشان در حال ارائه ی چکیده ای از اندیشه و تجربه ی خود برای آینده ی جمهوری اسلامی هستند.



نگاره شماره دو: خوانش آیت‌الله خامنه‌ای از اصول نگرش اقتصادی امام خمینی

دو گانه‌ی استقلال / وابستگی

اولین مسئله‌ی نظریه امام خمینی در زمینه‌ی در بُعد سیاسی پیشرفت مسئله‌ی وابستگی و یا به عبارت دقیق‌تر احتمال وابستگی است. امام خمینی با جدیت تمام تفکر «کاستن از استقلال به نفع پیشرفت» را توهم توسعه دانسته و با آن مقابله می‌کند.

دیدگاه امام خمینی پیرامون پیشرفت با استدلالی روشن پیرامون سیاست «نه شرقی و نه غربی» آغاز می‌شود. ایشان این سیاست را

باعث «قوام» و «دوام» جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و «عدول از این سیاست» را «خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور». ایشان تأکید می‌کنند: «جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد.» به همین خاطر آرزو می‌کنند «مردم سلحشور ایران خشم و کینه‌ی انقلابی و مقدس» شان را در سینه نگه داشته و «شعله‌های ستم سوزش» را علیه

شوروی و آمریکا به کار گیرند. ایشان می‌گویند: «در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود.»

در بخشی از این پیام امام خمینی در زمینه‌ی استقلال یک فتوای فقهی را مطرح می‌کند؛

امام خمینی در سال آخر حیات‌شان نامه‌هایی دارند که حاکی از دغدغه ایشان برای فراخوانی و بازخوانی ظرفیت‌های فقه برای پیشرفت کشور است.^{□□} فتوای مطرح شده در این پیام را نیز می‌توان در این راستا و بخشی از فقه اجتماعی امام خمینی در زمینه‌ی استقلال و پیشرفت دانست: «به مسئولین و دست‌اندرکاران در هر رده نیز می‌گوییم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این

کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نماید.» این فتوی در دوره‌ای مطرح می‌شود که چند روز است جنگ پایان یافته است. شرایط جنگ اساساً امکان برقراری روابط وابسته گرایانه را نمی‌دهد. با این حال بازهم امام خمینی از قطع «ریشه‌های وابستگی» سخن به میان می‌آورند؛ این حاکی از نگاه تشکیکی، مراتبی و تکاملی امام خمینی به مقوله‌ی استقلال و وابستگی است. این که در بعد استقلال خواهی همواره سطوح بالاتری

از استقلال مطرح است که باید برای نیل به آن تلاش نمود.

دوگانه‌ی محرومین / مرفهین

دومین دوگانه‌ی محوری در نظریه پیشرفت امام خمینی دوگانه‌ی محرومین و مرفهین است که در زمینه‌ی بُعد اجتماعی پیشرفت مطرح می‌شود. از منظری که امام(ره) در این پیام به تحلیل تاریخ اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌گشایند؛ اکثریت «شهدا و ایثارگران» و «رزمندگان عزیز اسلام» «از

طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند.» بر اساس این تحلیل و تئوری امام خمینی به یک راهبرد مهم در زمینه بازسازی و پیشرفت می‌رسند که در ابعاد اقتصادی پیشرفت، نقش «توده‌های مردم و جامعه» را در برابر «افراد خاص متمکن و مرفه» پررنگ می‌کند.

دوگانه‌ی کشاورزی / صنعت

دوگانه‌ی دیگر و انتخاب مهمی که امام خمینی در سطح اقتصادی پیشرفت طرح می‌

کنند دو گانه‌ی کشاورزی یا صنعت است. از نظر امام خمینی «مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر» از همین رو ضمن تأکید بر حفظ اولویت و تقدم کشاورزی این استدلال را مطرح می‌کند که «توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد».

دو گانه های محوری		سطوح برنامه پیشرفت
وابستگی	استقلال	سطح سیاسی
مرفهین	محرومین	سطح اجتماعی
صنعت	کشاورزی	سطح اقتصادی

نگاره شماره سه: دو گانه های محوری در زمینه ی چگونگی پیشرفت

این سه دو گانه ی محوری می توانند درک روشنی از آناتومی جریان های فکری کنونی در زمینه ی پیشرفت به دست بدهند. مسئله مهم در بازشناسی جریان های دو سوی این

دو گانه پیوستگی این سه سطح است. به این معنا که میان اعتقاد به «وابستگی» و حتی بی معنی بودن «استقلال» در سطح سیاسی؛ باور به عاملیت «مرفهین» در جریان توسعه در سطح اجتماعی و نفی «ارزش» و «امکان» خود کفایی در کشاورزی و تأکید بر تفوق صنعت در سطح اقتصادی همبستگی وجود دارد؛ به گونه‌ای که باور به هر کدام از این مؤلفه‌ها، تا حدودی موضع یک جریان را در سطوح دیگر مشخص می‌کند.

نقش دولت / مردم در پیشرفت

ترسیم کلیات نقش دولت و مردم یکی از اساسی ترین بخش های یک نظریه ی درباب پیشرفت است. دیدگاه امام خمینی در این باره نیز استدلال های قابل توجهی در بر دارد. اولین مسئله این است که از منظر امام خمینی پیشرفت حاصل تعامل دولت و ملت است. از این روی نوعی هم انسجام و همدلی را در این زمینه پیش می کشند؛ « شکاف و اختلاف» را مضر و معلول «دستهای پنهان و

آشکار غرب و شرق» دانسته و برای جلب
 «اعتماد مردم» به مثابه سرمایه اجتماعی
 پیشرفت تلاش می کنند.

مسئله دیگر عاملیت مردم در زمینه‌ی پیشرفت
 است. در اینجا امام خمینی تجربه و ایده‌ی
 جهادسازندگی مبنی بر محوریت و عاملیت
 مردم در پیشرفت را دنبال می کنند. در این
 زمینه امام خمینی می کوشند موانع عاملیت
 مردمی در زمینه‌ی پیشرفت را کنار بزنند. این
 کوشش امام خمینی حاوی یک استدلال به

شدت انتقادی در زمینه‌ی وضعیت بازار و «تجارت داخلی و خارجی» است. از نظر ایشان عرصه تجارت به «انحصار» افراد «خاص» و «متمکن و مرفه» درآمده است؛ آنچه این انحصار را مستحکم‌تر می‌کند نوعی طلسم بودگی و عدم امکان حضور مردم در این عرصه است. یکی از اصول مهم نظریه پیشرفت امام شکستن این طلسم است: «شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و

خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط
آن به توده‌های مردم و جامعه».

انگاره‌ی پیشرفت مردمی به مثابه یک
رهیافت عام و تجویز امام خمینی برای همه‌ی
حوزه‌هاست؛ از «بازسازی» گرفته تا
«سازندگی»، از کشاورزی گرفته تا صنعت و
تجارت. از همین روی «استفاده از نیروهای
عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و
بهادادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه
رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و

صنعت و تجارت و بازسازی» را به مثابه یکی
اصول نظریه پیشرفت انقلاب اسلامی مطرح
می‌شود.

مسئله دیگر نقش دولت در پیشرفت است. به
نوعی ۹ بند پیام بازسازی امام خمینی ناظر به
این نقش و مسئولیت دولت در زمینه‌ی
پیشرفت است. از نظر امام خمینی دولت و
حکومت چند نقش اساسی در پیشرفت دارد
که در ادامه فهرست‌وار به آن‌ها اشاره
می‌شود:

■ یکی از این نقش‌ها، نقش اجتماعی اجتماعی دولتی است. دولت در تنظیم نظام «منزلت اجتماعی» مسئولیت دارد؛ خلاصه‌ی استلال امام خمینی در این زمینه این است که «طبقات محروم و کم درآمد» نقشی کلیدی در به دست آوردن «هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد» داشته‌اند؛ از این روی باید دولت «در حد توان و مقدورات قدرشناس» زحماتی باشد که «خانواده‌های عزیز

شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین»
 متحمل شده‌اند. مسئله‌ی کلیدی
 این جاست که دولت می‌بایست این
 قدرشناسی را فراتر از تعریف و تمجید
 ظاهری در «همه نوع امتیازات اجتماعی
 و اقتصادی و فرهنگی» دنبال کند. (بند
 اول)

■ تأمین امنیت و «تقویت بنیه دفاعی و
 نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع
 تسلیحاتی» و «رعایت اصول ایمنی و

حفاظتی» نقش دیگر دولت است.(بند

دوم و ششم)

■ نقش دیگر دولت سیاست گذاری است؛

تعیین اولویت ها به عنوان نمونه «اولویت

و تقدم خودکفایی کشاورزی» از

مسئولیت های اساسی دولت در زمینه ی

پیشرفت است.(بند سوم)

■ نقش دیگر دولت تأمین زیرساخت های

علمی پیشرفت است؛ امام خمینی

استدلال می کنند: «بازسازی توسعه

مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و
 هدایت امکانات و تشویق کامل و همه
 جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای
 متعهد و متخصص»، «مهم ترین عامل در
 کسب خود کفایی» است. (بند چهارم)

■ نقش دیگر دولت در عرصه ی پیشرفت
 «برنامه ریزی» است: «برنامه ریزی در
 جهت رفاه متناسب با وضع عامه
 مردم». (بند پنجم)

■ نقش دیگر دولت «نظارت» است. این نظارت البته حداکثری بوده و به دولت امکان «نظارت دولت در نوع و قیمت» کالاهای تجاری را نیز می‌دهد. (بند پنجم)

■ نقش دیگر دولت در عرصه پیشرفت رفع موانع مردمی‌تر شدن عرصه‌ی اقتصادی است. امام خمینی در این زمینه «شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج» و «توسعه‌ی حضور

مردم» در عرصه‌های اقتصادی را مطرح می‌کنند(بند هفتم).

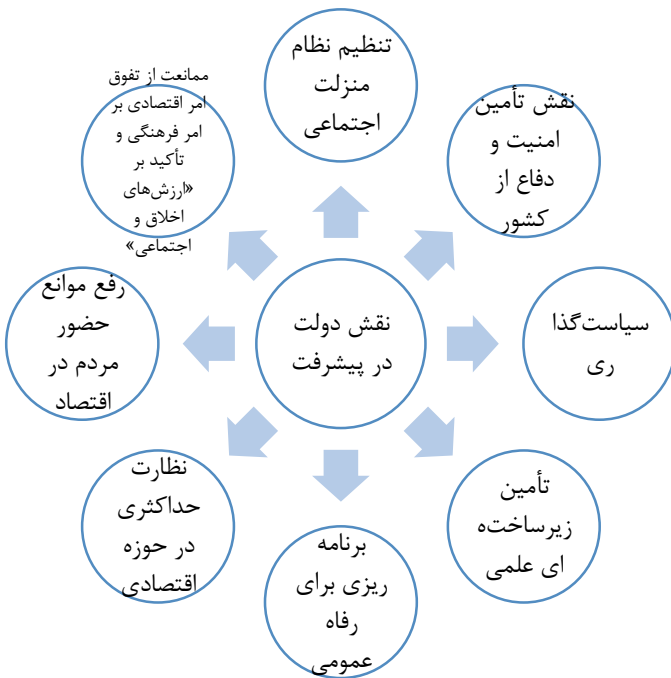
■ دست‌آخر اینکه دولت در مسیر پیشرفت در حوزه‌ی فرهنگی نیز نقش‌های مهمی دارد. یکی این که مانع آن شود که مناسبات و محاسبات امر اقتصادی بر امر فرهنگی تفوق یابد و امکان فهم آیندگان از مفاهیم و تاریخ انقلاب را محدود کنند؛ در این زمینه امام خمینی یک پیشنهاد عینی دارند که

به نوعی بنیانگذاری مفهوم «میراث فرهنگی انقلاب اسلامی» است: «حفظ و نگهداری ترکیب یک یا چند شهر خراب شده در جنگ به منظور ترسیم علنی تجاوز دشمنان علیه انقلاب و کشورمان و نشان دادن قدرت دفاع و مقاومت قهرمانانه ملت که آیندگان فقط به اسناد و نوشته‌ها بسنده نکنند.»

نقش دیگر دولت در حوزه‌ی فرهنگی عبارت است از «تأکید بر حفظ ارزشها

و شئون اخلاقی و اجتماعی و نیز سالم سازی اجتماعات» (بند هشتم و نهم).

نگاره شماره چهار: وظایف دولت در زمینه پیشرفت بر اساس پیام
بازسازی امام خمینی (ره)

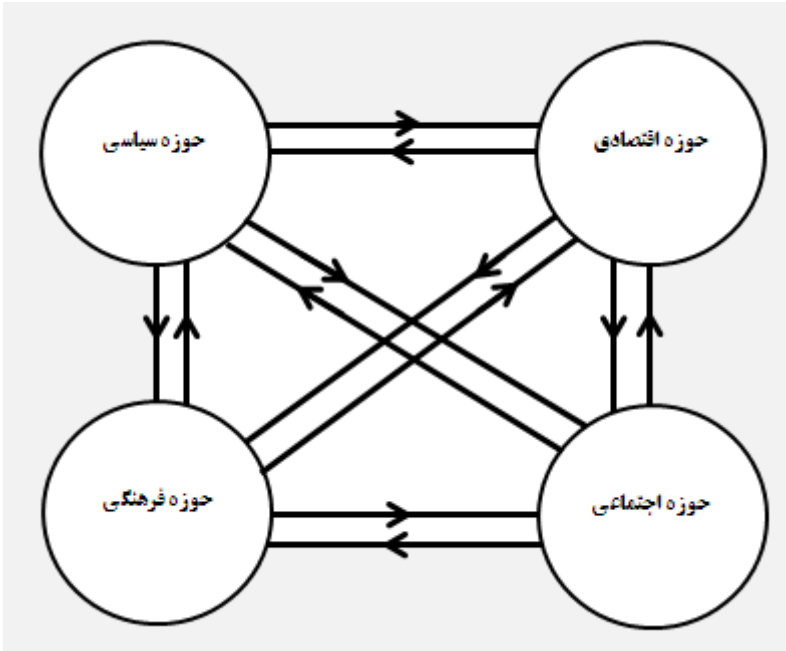


روابط نظام‌های اجتماعی در نگاه

امام خمینی

در نگاه امام خمینی انسان یک موجود یکپارچه است. این یکپارچگی هم در طول نشئه‌های حیات انسانی مطرح است و هم در عرض عرصه‌ها و حوزه‌های حیات انسان. در مکتب امام خمینی همان‌طور که دنیای منهای آخرت معنا ندارد، آخرت منهای دنیا نیز بی معناست. سطح دیگر این نگرهی پیوسته به انسان در زمینه‌ی فرد و جامعه و حوزه‌های

گوناگون حیات اجتماعی انسان است. از همین روی در اندیشه اجتماعی امام خمینی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حیات انسان‌ها واجد مناسباتی متقابل است. نگاره شماره پنج روابط متقابل میان چهار حوزه عمده حیات اجتماعی انسان را نشان می‌دهد.



نگاره شماره پنج: روابط مقابل حوزه‌های حیات اجتماعی انسانی از منظر امام خمینی

نمونه این نگرش پیوسته به حوزه‌های حیات
اجتماعی انسان را در نگاه امام خمینی به

مقوله‌ی اقتصاد را می‌توانیم در پیام بازسازی
 بنیم. امام خمینی در این پیام توجهی توأمان
 به ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقتصاد
 دارند. در بعد سیاسی اقتصاد، در دو سطح
 بین‌المللی و داخلی دو مقوله استقلال و
 همگرایی دولت و ملت را مطرح می‌کند.
 در بعد اجتماعی اقتصاد، دو مقوله‌ی
 مردمی‌شدن اقتصاد و محوریت مستضعفین
 در اقتصاد را مطرح می‌کند و در بعد
 فرهنگی اقتصاد دو مقوله‌ی مهم مبارزه با

فرهنگ مصرفی و عدم تفوق فرهنگ بر
اقتصاد را پیش می‌کشند. نگاره شماره شش
مناسباتی را نشان می‌دهد که امام خمینی در
پیام بازسازی میان اقتصاد و ابعاد سیاسی،
اجتماعی و فرهنگی حیات انسانی برقرار
کرده‌اند.

هم‌گرایی دولت و ملت	بعد سیاسی	اقتصاد در اندیشه امام خمینی
عدم وابستگی		
مردمی کردن اقتصاد	بعد اجتماعی	
محوریت مستضعفین		
مبارزه با فرهنگ مصرفی	بعد فرهنگی	
عدم تفوق اقتصاد بر فرهنگ		

نگاره شماره شش: نگرش چند بُعدی به اقتصاد در پیام بازسازی امام خمینی

ن.ک به: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام[□]
خمینی(ره) در ۱۳۹۴/۳/۱۴.

□□. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۶۹.

□□□. همان، ج ۴، ص ۳۷۹.

□□. همان، ج ۴، ص ۵۰۶.

□. همان، جلد ۴، ص ۱۵۹.

□□. همان، ج ۴، ص ۵۰۷.

□□□. همان، ج ۸، ص ۱۷۹.

□□□□. ن.ک به: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت

امام خمینی(ره) در ۱۳۹۲/۳/۱۴.

□□. ن.ک به: صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۵۰-۱۵۲ و صص ۱۷۶-۱۸۰.